

بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نگرش محیط زیستی دانشجویان علوم و تحقیقات در سال 1388

دکتر سیدمحمدصادق مهدوی* روپا وزیری**

چکیده: بشر در طول تاریخ حیات خویش، همواره در محیط زیست تصرف کرده و آن را مطابق نیاز و سلیقه خود، تغییر داده است و برعکس، طبیعت به اشکال گوناگون در توسعه و رشد فرهنگی بشر، تأثیر به‌سزایی داشته است. حفظ محیط زیست یک تلاش ملی است که مستلزم مشارکت آحاد مردم است. این میراث گرانبها و سرمایه عظیم، امانتی است که از گذشتگان ما به جای مانده است و بشر امروز باید با منش اخلاقی و اجتماعی مناسب و توأم با احساس مسئولیت، آن را به صورت مطلوب به آیندگان بسپارد. مؤثرترین گام به منظور حفظ محیط زیست، ارزیابی رفتار و عملکرد مردم در رسیدن به اصول اولیه زندگی پایدار است. چرا که بهره‌وری صحیح از منابع و جلوگیری از تغییر در مواهب طبیعی باعث پایداری زندگی می‌شود. جامعه دانشگاهی و افراد روشنفکر تأثیر قابل توجهی در تقویت فرهنگ محیط زیستی و رسیدن به هدف‌های توسعه پایدار دارند. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست است که به منظور شناسایی این عوامل، 400 دانشجویان از دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، اقتصاد و مدیریت و فنی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب با حجم انتخاب شدند و به وسیله روش پیمایش تأثیر متغیرهای جنسیت، سن، وضعیت تأهل، بومی بودن، میزان آگاهی، عادت‌های فرهنگی، درونی کردن ارزش‌ها و پایبندی دینی در نگرش و رفتار معطوف به حفظ محیط زیست با کمک پرسشنامه مصاحبه‌ای و تکنیک‌های آماری لازم سنجیده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد، متغیر آموزش از طریق رسانه، بیش‌ترین تأثیر را در نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست دارد.

کلید واژه‌ها: حفظ محیط زیست، نگرش محیط زیستی، عادت‌های فرهنگی، فرهنگ محیط زیستی

* استاد تمام وقت و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران d_mahdavy@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی (کارشناس مسئول آمارهای محیط زیست مرکز آمار ایران) r_env@yahoo.com

مقدمه

حفظ و نگهداری محیط زیست و منابع طبیعی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که بشر در آستانه قرن بیست‌ویکم با آن مواجه است و بزرگترین دغدغه انسان با توجه به نیاز بسیار به توسعه و تولید بیش‌تر، است. با افزایش مسائل محیط زیستی مانند بحران انرژی، اتلاف و تخریب منابع طبیعی و افزایش پسماندهای ناشی از توسعه شهرنشینی و صنعتی، اثر انسان بر محیط مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، زیرا آنها بسیاری از این معضلات را ناشی از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم رفتارهای انسان می‌دانند (ویلیام¹، 2002). طبیعت، بزرگ‌ترین دایره بسته زندگی است. تمام اجزای طبیعت با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. انسان هم جزئی از این اجزاء است، اما تنها جزئی است که نظام سازگار شده طبیعت را به هم ریخته است. او جنگل‌ها را به نابودی و زمین‌ها را به تباهی کشانده است. دست به صید بی‌امان ماهی‌ها زده، چراگاه‌ها را خشک کرده و تیشه بر ریشه همه چیز زده است. به سخن دیگر، او منابع و ذخایر پنهان را به تاراج برده و دخل و خرج طبیعت را دگرگون ساخته است. انسان با دگرگون کردن طبیعت، بی‌نظمی و نابسامانی به بار آورده و تعادل و توازن طبیعت را دگرگون ساخته است. نتیجه این گونه کارهای بشر را باید به حساب جنبه‌های منفی تمدن او نوشت. ژاک-ایوکوستو²، اقیانوس‌شناس برجسته می‌گوید: در گذشته، طبیعت، انسان را تهدید می‌کرد، اما امروز، انسان، طبیعت را تهدید می‌کند (آذرنگ، 1364: 55-53). جامعه بشری تنها جامعه‌ای است که استعداد بهره‌برداری و استثمار محیط زیست خود و تولید ثروت را داراست. این نقش متضاد که در محیط طبیعی به عهده ماست یعنی نقش مشارکت و استثمار، در حقیقت بر روش ادراک و شعور ما تأثیر نهاده و آن را تغییر شکل داده است (کامونر، 1382: 9). ما تنها گونه‌ای هستیم که قادر به انقراض نوع خود هستیم. برخلاف دایناسورها و سایر گونه‌های منقرض شده، ما در این مورد می‌توانیم تعمق بیشتری کرده و با تغییر فرهنگ خویش، خود را با تغییرات محیط زیستی وفق دهیم. تغییر مسیر فرهنگ ما باید در جهتی باشد که برای بقای گونه انسان در آینده، با توجه به تجربه‌های فرهنگی گذشته کارساز باشد (میلر، 1386: 36). شاید هیچ موضوعی را نتوان در جهان یافت که مانند بحران محیط زیست، راه‌حش تنها در گرو وحدت و همکاری مردم سراسر جهان باشد. بی‌شبهه هر ملتی و در درجه اول هر دولتی، مسئول منابع

1. Williams

2. Jacques-Yves Cousteau

طبیعی، منطقه، آبها، اقیانوس و هوای سرزمین خود است. اما امروز این مسئولیت به تنهایی کافی نیست. بقای بشر در زیستکره، مسأله‌ای جهانی است و مسأله جهانی را در محدوده مرزهایی که نقشه‌های جغرافیایی معلوم می‌کنند، نمی‌توان حل کرد (آذرنگ، 1364: 94). هر گاه انسان بتواند طبیعت را بر خود ترجیح دهد، می‌توان به کاهش تخریب محیط زیست امیدوار بود. چنانچه افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به محیط زیست حساس باشند و ابزار لازم را در اختیار داشته و آموزش‌های لازم را دیده باشند، به گونه‌ای که بهره‌برداری از منابع به شکل معتدل و منطقی و سنجیده صورت پذیرد و فرهنگ محیط زیستی¹ رواج پیدا کند، بدون شک کیفیت زندگی بهبود خواهد یافت. مشارکت مردم² در برنامه‌های محیط زیستی و آشنایی آنها با آثار مخرب آلودگی، کلید رمز موفقیت برنامه‌های محیط زیستی است. اگر سیاست‌ها و برنامه‌ها را به سوی به کارگیری فکر و توان مردم سوق دهیم، بسیار کارساز خواهد بود (فصلنامه، 1378: 24)

بیان مسئله

بحران محیط زیست از یک بحران اخلاقی سرچشمه گرفته و نتیجه پشت پازدن به ارزش‌های اخلاقی است. بنابراین برای خروج از این بحران باید به دنبال راه حل اخلاقی بود. بشر متمدن در جهان امروز نیازمند اصولی اخلاقی است تا در کنار آرمان‌های اخلاقی به توسعه و رفاه مادی بپردازد. خداوند، تمام موجودات را با نقش‌ها و کارکردهای مختلف آفریده که بخشی از وظایف آنها خدمت به انسان‌هاست. هدف از خلقت موجودات تنها خدمت به انسان نیست بلکه بخشی از منافع این موجودات به انسان بازمی‌گردد. موجودات در این عالم در ارتباط با هم تأثیر متقابل دارند و هر کدام در خدمت دیگری هستند. طبیعت، هدیه‌ای است الهی برای تمام نسل‌ها در تمام عصرها، بنابراین در هر دوره‌ای در اختیار یک نسل از بشر قرار می‌گیرد که از آن تعبیر به مالکیت یا حق استفاده می‌شود. از آنجایی که مالک حقیقی، خداوند است بنابراین انسان‌ها امانتدار هستند و اجازه تصرف و بهره‌برداری معقول از آن را دارند. الگوی زندگی مصرفی و زیاده‌خواه امروزی، ما را در مقابل دستاوردهای خویش آسیب‌پذیر کرده است. پیشرفت دانش، نمی‌تواند به تنهایی ما را در برون رفت از این چنبره یاری دهد. ما نیازمند به یک اخلاق محیط

-
1. Environmental culture
 2. People Participate

زیستی جدید هستیم. به قول آلدو لئوپولد¹، زیست‌شناس معروف، اخلاقی که ما را از انسان فاتح به شهروند زیستی، علم ما را از تیزکننده شمشیر خود به علمی که چراغ جستجوگر جهان خویش است و رابطه ما را با زمین از ارباب و رعیت به عضوی از مجموعه زیست‌مندان آن تغییر دهد (کارسون، 1376: 7). طرح توسعه‌ای که بشر در قرن بیستم برای خود طراحی کرده به دلیل مشاهده ناخوشی‌ها و نابسامانی‌های توسعه و صنعتی شدن افسار گسیخته است که بشر را وادار به تجدید نظر در بلند پروازی‌هایش ساخت. امروز طرح دوراندیشانه «توسعه پایدار» نشانگر تدبیری برای این «خود کرده» محسوب می‌شود. در کشور ما که در حال حرکت در مسیر رسیدن به توسعه است، دیدی اجتماعی و ژرف‌انگر به مسئله توسعه لازمه اصلی برنامه‌ریزی صحیح در راه پیشبرد هدف‌های توسعه پایدار است. بنابراین، شناخت تمام عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه ضروری است. یکی از عناصر و ارکان اجتماعی و فرهنگی، نگرش محیط زیستی است. محیط زیست به عنوان یک رکن زیربنایی و کارآمد در راستای وضعیت حال و آینده می‌تواند نقش شتاب دهنده‌ای در راه توسعه داشته باشد و از موانع آن بکاهد. عناصر و ابعاد محیط زیستی شامل آلودگی‌های: آب، خاک، هوا، صدا و مصرف: آب، منابع انرژی و منابع طبیعی است. نگرش محیط زیستی، تمام آگاهی‌ها و رفتارها را در رابطه با محیط زیست در بر می‌گیرد. به طور خیلی ساده می‌توان گفت که درست اندیشیدن و صحیح رفتار کردن به معنای سلامت فرهنگی - اجتماعی است. اگر فرد به بینش صحیحی از شیوه رفتارش و ضرر و زیان خود و جامعه‌اش برسد و به درستی تشخیص دهد که مطلوب‌ترین عمل کدام است، آنگاه سلامت فرهنگی - اجتماعی در جامعه را می‌توان دید. اگر فرهنگی، سلامت کامل داشته باشد، می‌تواند از سلامتی محیط زیست، استفاده آینده‌نگرانه از منابع طبیعی و سلامت جامعه صحبت کند. سلامت محیط زیست هر جامعه‌ای، ضامن سلامت کامل آن است، این دو به یکدیگر وابسته هستند و اگر یکی را نادیده بگیریم، دیگری نیز از بین خواهد رفت (اسلام-زاده، 1382: 86). شرایط کنونی ایجاب می‌کند که در تمام بخش‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اقدام‌هایی فوری صورت گیرد. همه ما در برابر این دشمن مشترک یعنی اقدام‌های برهم زننده و مخل تعادل محیط زیست و نابودی میراث متعلق به نسل‌های آینده، مسئولیت مشترک داریم و باید بسیج شویم. برای پیشگیری از تخریب محیط زیست، عوامل و عناصر مختلفی باید در نظر گرفته شود که مسایل اجتماعی و فرهنگی از جمله

1. Aldo Leo Pold

مهم‌ترین آنهاست. یک جهش اجتماعی لازم است و این امر تنها با کاربرد یک کنش اجتماعی همگانی و مشترک، معقول و آگاهانه، قابل درک و تصور است. انسان باید، اراده خود را به عمل درآورد و با نگرش مثبت و بنیادی مبتنی بر واقعیت با محیط زیست برخورد کند. اداره امور نیازمند نگرش‌ها و اندیشه‌های تازه است. تفکر طبیعت در تسخیر انسان باید تغییر کند چرا که مؤثرترین و مهم‌ترین عامل تغییرات محیط زیستی، انسان است. ما باید از این پس عمل کنیم، چگونه عمل کردن را هر کدام از ما باید از خود بپرسد. این پژوهش سعی دارد تا با شناخت عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست، نگرش محیط زیستی دانشجویان که قشر روشنفکر جامعه را پوشش می‌دهند، بررسی و عوامل مؤثر بر این نگرش را شناسایی کند و در جهت برنامه‌ریزی مناسب فرهنگ‌سازی حفاظت محیط زیست گام بردارد. محدوده مورد بررسی در این پژوهش، سال 1388 در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در مورد دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد و مدیریت، علوم انسانی، علوم پایه و فنی است.

پرسش‌های پژوهش

الف- پرسش‌های توصیفی

1. میزان نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست چه مقدار است؟
2. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق رسانه‌ها چه مقدار است؟
3. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق خانواده‌ها چه مقدار است؟
4. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق آموزش در دوران تحصیل چه مقدار است؟
5. میزان قانون‌پذیری دانشجویان چه مقدار است؟
6. میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان چه مقدار است؟
7. میزان پایبندی دینی دانشجویان چه مقدار است؟
8. میزان احساس مسئولیت نسبت به حفظ محیط زیست دانشجویان چه مقدار است؟

ب- پرسش‌های تبیینی

1. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق رسانه‌ها چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟

2. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق خانواده چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
3. میزان آموزش محیط زیستی دانشجویان از طریق آموزش در دوران تحصیل چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
4. میزان قانون‌پذیری دانشجویان چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
5. میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
6. میزان پایبندی دینی دانشجویان چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
7. میزان احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست دانشجویان چه تأثیری در حفظ محیط زیست دارد؟
8. جنسیت، سن، وضعیت تأهل و بومی بودن چه تأثیری بر موقعیت دانشجویان در حفظ محیط زیست دارد؟

پیشینه تحقیق

گرشاب و استایلر سال 1989 براساس تحقیقات خود، اظهار داشتند که حساسیت و نگرش مثبت محیط زیستی، زمانی افزایش می‌یابد که افراد خطر آلودگی و به خطر افتادن محیط و خودشان را احساس کنند (فصلنامه، 1382: 17). در تحقیقی که پالمر، سال 1990 از 232 نفر از مربیان حفظ محیط زیست به عمل آورد، از بین عوامل گرایش آنها نسبت به کارشان، 97 نفر تجارب دوران کودکی در محیط‌های باز را ذکر کرده و 114 نفر آنان، تماس مستقیم با طبیعت را در طول دوران زندگی، مانند راهپیمایی، تماشای پرندگان، باغبانی و کاشتن گل و درخت عنوان کرده بودند. مشابه این تحقیق در کشورهای آمریکا، سری‌لانکا، هنگ‌کنگ نیز انجام شد و همین نتایج به دست آمد (میلتون، 1382: 114). تحقیق پیمایشی به نام «بررسی نگرش‌های محیط زیستی»، بر روی نگرش‌ها و رفتارهای برجسته محیط زیستی در اسکاتلند در سال 2002 صورت گرفته است. این طرح توسط سازمان میراث طبیعی و کمیسیون جنگل‌بانی اسکاتلند اجرا شد و اطلاعات وسیعی از دیدگاه‌های عمومی بر روی مسائل محیط زیستی متفاوت انتشار یافت (پژوهش علوم انسانی، 1386: 17). پژوهشی با نام «شناخت آگاهی نگرش و رفتار محیط زیستی دانش‌آموزان سراسر کشور آمریکا با تأکید بر روی دانش‌آموزانی که در مجاورت شرایط نامساعد قرار دارند»، زیر نظر مؤسسه تربیتی و آموزشی

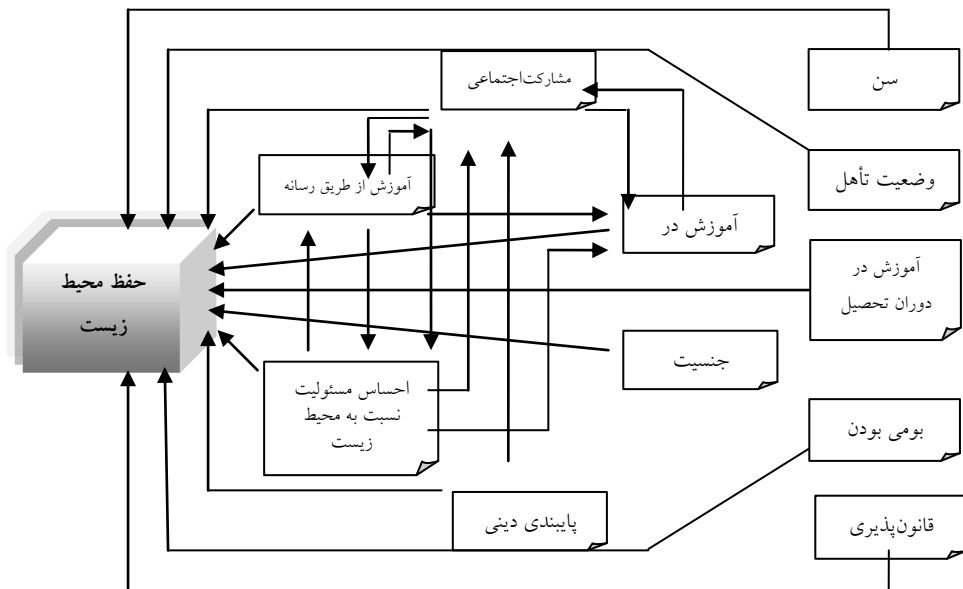
محیط زیستی ملی، توسط «روپر استراج» اجرا شد و یافته‌های این پژوهش توسط نمایندگی حفاظت محیط زیست آمریکا تنظیم شده است. این تحقیق نشان داد، جوانان در نواحی با شرایط نامساعد در معرض سطح بالایی از خطرهای محیط زیستی نسبت به جوانان نواحی دیگر قرار دارند. علاوه بر این، تحقیق همچنین نشان داد که دانش‌آموزان نواحی نامساعد فرصت اندکی برای تمرین و یا تجربه محیط زیست طبیعی دارند و انگیزه کمتری نیز برای تمرکز بر روی مسایل محیط زیستی دارند. احتمالاً به دلیل اینکه فشار زیاد جرم و جنایت و مسایل اقتصادی در زندگی آنها اولویت بیش‌تری دارد (بر گرفته از سایت www.nceet.edu). تحقیق پیمایشی با عنوان «نگرش اروپاییان نسبت به محیط زیست»، در سال 2004 میلادی در میان اروپاییان صورت گرفت. پرسش اصلی این پژوهش براین مسئله تمرکز داشت که مردم اروپا با تابعیت‌های مختلف (کشورهای مختلف) در مورد علل اصلی آلودگی محیط زیست چه نظری دارند؟ بررسی روی اروپاییان نشان داد، آگاهی فزاینده- ای در جهت علاقه مندی در مورد موضوع‌های محیط زیستی مهم وجود دارد. طبق پژوهشی که در سال 1999 صورت گرفته بود، مردم کشور یونان بیش‌ترین علاقه مندی را به مسائل محیط زیستی نسبت به دیگر اروپاییان داشتند و مردم هلند کمترین علاقه مندی را نسبت به دیگر اروپاییان از خود بروز داده‌اند. که البته در پژوهش سال 2004 پیشرفت قابل توجهی کرده بودند (پژوهش علوم انسانی، 1386: 22). در تحقیقی که توسط دکتر احمد بادکوبی، مهرداد هادی پور و شراره پور ابراهیم در ارتباط با وضعیت آگاهی محیط زیستی آموزگاران مقطع دبیرستان‌های تهران و روش‌های ارتقاء آگاهی در سال 1379 انجام شده، نتایج به دست آمده عبارتند از: آگاهی مردان بیشتر از زنان است، بهترین ابزار اطلاع رسانی، تلویزیون و رسانه‌های همگانی¹ است و بیش از 90٪ افراد به اهمیت آموزش‌های محیط زیستی در مدارس تأکید کرده‌اند (بادکوبی، 1379: 345). در تحقیقی دیگر توسط گلدوز در سال 1381 بیان شده است که آموزش در بزرگسالی تأثیر کمتری از آموزش در کودکی دارد. آموزش موجب می‌شود که باورهای محیط زیستی در دراز مدت در جامعه شکل بگیرد (فصلنامه، 1383: 71)

چهارچوب نظری تحقیق

فرآیند هر تحقیق مجالی برای محقق فراهم می‌آورد تا در چهارچوب نظری به شکل دقیق به

1. Mass Media

فرمول‌بندی مجدد پرسش آغازین بپردازد تا سنگ زیرین فرضیه‌های تحقیق را بنا نهد و پاسخ منسجمی به پرسش آغازین ارائه کند (کیوی، 1384: 88). پژوهش حاضر، به دلیل آن که در حوزه‌ای بین رشته‌ای بررسی می‌شود، بنابراین ضمن آن که از دیدگاه‌های محیط زیستی با گرایش‌های اجتماعی تأثیر پذیرفته است اما با رویکرد جامعه‌شناختی به تحلیل می‌پردازد. چرا که بر این باور است، دیدگاه محیط زیستی با گرایش‌های اجتماعی، تنها در نگرش‌های اکولوژیکی غوطه‌ورند اما در تحلیل ساختارگرایی اجتماعی ضمن توجه به تغییرات موجود در زیست کره از عوامل اجتماعی اثرگذار بر مسایل محیط زیستی نیز غفلت نمی‌ورزد و ماهیت نظام‌ها و اجتماعات جدید و مسایل ناشی از آن را تحلیل می‌کند.



شکل 1: مدل نظری

اکوفمینیسم (نظریه جنسیتی طبیعت)

اتصال بین جنسیت و محیط زیست در محدوده نظریه اجتماعی، موضوعی است که طی سه دهه گذشته توجه فراوانی را برانگیخته است. فمینیسم، بیش از هر نظریه اجتماعی قرن بیستم،

مناسبات بین جامعه انسانی و محیط زیست طبیعی را در مرکز دلمشغولی‌های خود جای داده است. اکوفمینیسم، به عنوان یکی از شعب فرعی فمینیسم که نگران موضوع‌های محیط زیستی است، نقش جنسیت را در روابط اجتماعی - محیط زیستی (با نگاه منفی) برجسته می‌کند (بری، 1380: 161). کارن وارن در خصوص دیدگاه اکوفمینیستی می‌گوید: اساس این دیدگاه به شرح زیر است:

1- پیوندهای مهمی بین سرکوب زنان و سرکوب طبیعت وجود دارد. 2- درک ماهیت این پیوندها برای هر گونه درک کافی از ستمی که بر زنان می‌رود لازم است. 3- نظریه و عمل فمینیستی باید دیدگاهی بوم‌شناختی را شامل باشد. 4- راه‌حلهایی که برای مسایل زیست بوم‌شناختی اتخاذ می‌شود باید یک دیدگاه فمینیستی را در برگیرد. رزمی رویتر¹ معتقد است که متصل کردن حرکت زیست بوم‌شناختی و جنبش فمینیستی، یکی از شروط پیروزی هر دو جنس است (بری، 1381: 140). محیط زیست را نمی‌توان به دور از جنسیت، مورد بررسی قرار داد. طرفداران جنبش فمینیستی و جنبش طرفداران محیط زیست به منظور برتر نشان دادن نگرش محیط زیستی زنان بر مردان، بر کلماتی مانند: زمین سپهر، مام زمین² و ... تأکید کرده‌اند، چرا که این گونه واژه‌ها یادآور جنس زن است (بری، 1381: 153).

نظریه عادت‌های فرهنگی

فرهنگ و جامعه با هم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت کننده عملکرد افراد جامعه است. با تغییر فرهنگ، می‌توان رفتار مردم را تغییر داد. اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده‌ای است. فرهنگ متشکل از عادت‌ها و آداب است، عادت‌هایی که در طی زمان شکل گرفته‌اند و مردم مطابق آنها رفتار می‌کنند (تومه، 1380: 5). هرچند، فرهنگ مناطق مختلف، از بعضی جهات، متفاوت است. اما تمام فرهنگ‌ها، ویژگی‌های مشترکی دارند. پذیرش فرهنگ، اجباری³ و در عین حال اختیاری⁴ است. فرهنگ پدیده‌ای پویاست. یعنی قابل تغییر و تبدیل است و عواملی مانند تکنولوژی، وضعیت جغرافیایی، ایده‌ها، عقاید دینی و نظام

1. Rose Merry Router
2. Mother Earth
3. Obligatory
4. Optical

معیشتی بر فرهنگ مؤثر است (تومه، 1380: 160). براساس نظر دوپویی، فرهنگ تنها مجموعه‌ای از اصول حاکم بر رفتار انسانی نیست، بلکه عاملی استراتژیک است که می‌تواند برحسب اوضاع و احوال تحول یابد. تفاوت فرهنگ جدید با قدیم در حضور و نقش رسانه‌ها است. به سخن تامپسون امروز نمی‌توان امور را بی حضور کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌ها، قابل تصور دانست (دوپویی، 1374: 9). مردم براساس فرهنگ خود، عمل می‌کنند و رفتار محیط زیستی انعکاسی از فرهنگ حاکم بر جامعه است، با استفاده از عقیده و باور مردم، می‌توان نگرش و رفتار آنها را تغییر داد و این امر در حوزه محیط زیست نیز امکان‌پذیر است. هر جامعه‌ای دارای فرهنگ مجزا و متفاوتی است. در نتیجه رفتار افراد با هم تفاوت دارد. مردم کشور ما نیز سال‌هاست که با این عادت‌های فرهنگی زندگی کرده‌اند. این آداب بی‌شمارند و می‌توان گفت که در مورد تمام جزئیات زندگی، فرهنگی خاص دخالت دارد. همچنین فرهنگ‌های کلی نیز در بین مردم رایج است. مقطع‌نگری، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی، نبود تجربه مشارکت‌های جمعی و اجتماعی، انتظار خدمتگزاری از سوی دولت، نفرت از محیط و گرایش به مصرف‌گرایی، جزئی از عادت‌های فرهنگی مردم ماست (سریع‌القولم، 1380: 60).

نظریه رشد اخلاقی

انسان از بدو تولد خود با اصطلاحی مانند: نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و ... آشنا می‌شود که طول عمر زندگی او را تشکیل می‌دهند. هر فردی از این مراحل دوره‌ای که دارای ویژگی‌های متفاوت است گذر خواهد کرد (لطف آبادی، 1379: 8). هر یک از این دوره‌ها برای هر انسانی که شانس زنده بودن داشته باشد، طی خواهد شد و در هر مرحله به یک سری ویژگی‌های خاص فیزیکی، روانی و ذهنی می‌رسد که با دیگری متفاوت است. در دهه 90 محققى به نام کروز اظهار کرد که دانش و تجارب فردی در تغییر و شکل‌گیری نگرش باورهای فردی و جمعی مؤثر است (بن سن، 1382: 160). براساس نظریه رشد اخلاقی، قدرت تفکر انتزاعی نوجوانی، توانایی حل مسایل پیچیده را ندارد. اما در سنین جوانی، همان شخص توانایی انجام و درک موضوعات انتزاعی پیچیده اجتماعی و فردی را کسب می‌کند و به تدریج به جریان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وارد می‌شود و به ایفای نقش‌های مختلف می‌پردازد. هر فردی در اواخر دوره نوجوانی، به تدریج قوانین حفظ نظم اجتماعی را می‌پذیرد و به داوری اخلاقی می‌پردازد. اما توانایی رشد اخلاقی متضمن عمل به آنها نیست، حتی پدیده تنزل

اخلاقی هم ممکن است (لطف آبادی، 1379: 220). شرایط دیگری مانند باورهای دینی، فرهنگی، اجتماعی، تجارب و یادگیری، شرایط اجتماعی و اقتصادی و ... بر قضاوت‌های اخلاقی و عمل به آنها مؤثر است. نظریه رشد مادام‌العمر پال بالتز و همکاران بر این نکته تأکید دارد که در بزرگسالی، خردمندی با بصیرت و قدرت ویژه درباره مسائل پیچیده، برای انسان حاصل می‌شود. انباشته شدن تجارب زندگی و بازنگری و تحلیل این تجارب به دریافت مفهوم زندگی و نظریه‌پردازی درباره کیفیت و تحولات انسان، منجر می‌شود (همان: 255) آلبرت باندورا، یکی از معروف‌ترین محققان این نظریه بر یادگیری مشاهده‌ای، تأکید دارد. به نظر وی فرد با استفاده از الگوهای پیشین، رفتارهای جدیدی را در شرایط مختلف بروز می‌دهد. او یادگیری شناختی فرد را ناشی از تعامل میان شخص، رفتار و محیط می‌داند و رفتار فرد را بر محیط، تأثیر گذارنده اعلام می‌کند (همان: 32) الگوهای تقابلی باندورا، نشانگر آن است که چگونه رفتار، محیط و شخص باهم در تعامل هستند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

فرضیه‌های تحقیق

1. میزان نگرش مثبت دانشجویان زن و مرد نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
2. میزان نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست در بین گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است.
3. میزان نگرش مثبت دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
4. میزان نگرش مثبت دانشجویان تهرانی، شهرستانی و روستایی نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
5. میزان آگاهی (آموزش از طریق رسانه، آموزش در خانواده، آموزش در دوران تحصیل) در نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
6. میزان عادت‌های فرهنگی (قانون‌پذیری، مشارکت اجتماعی) در نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
7. میزان درونی کردن ارزش‌ها (احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست) در نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.
8. میزان پایبندی دینی در نگرش مثبت دانشجویان نسبت به حفظ محیط زیست متفاوت است.

روش تحقیق

تحقیقات به دو صورت کمی و کیفی انجام می‌شود. در تحقیقات پهنانگر و مقطعی از روش

کمی بهره گرفته می‌شود. روش پیمایشی¹ یکی از تکنیک‌های روش کمی در تحقیقات اجتماعی است که مانند هر تکنیک دیگر مدافعان و مخالفانی دارد (دواس، 1381: 13). در این تحقیق با توجه به موضوع تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. به این شکل که ابتدا از بین جمعیت آماری، تعداد مناسبی انتخاب شده و از طریق پرسشنامه، مورد سؤال قرار می‌گیرند و پایایی کلی طیف نگرش به وسیله آلفای کرونباخ سنجیده می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ متغیر حفظ محیط زیست 0.78، قانون‌پذیری 0.75، مشارکت اجتماعی 0.79، احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست 0.61، پایبندی دینی 0.69 و آموزش از طریق رسانه 0.70 است. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها، داده‌آمایی اطلاعات و کدگذاری صورت گرفت و سپس به کمک نرم‌افزار SPSS17، تکنیک‌های آماری لازم به منظور بررسی روابط متغیرهای مستقل و متغیر وابسته استفاده شد. در این تحقیق، متغیر وابسته حفظ محیط زیست و علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای (مانند جنسیت، سن، وضعیت تأهل و ...) مفاهیمی مانند آگاهی محیط زیستی، درونی کردن ارزش‌ها، پایبندی دینی و عادت‌های فرهنگی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. اعتبار به کار گرفته شده برای پرسشنامه این تحقیق، اعتبار صوری است. به این شکل که در انتخاب سؤالات پرسشنامه از برخی از استادان بخش جامعه‌شناسی و مهندسی محیط زیست، نظرخواهی شد و اصلاحات لازم اعمال شد و از این طریق اعتبار پرسشنامه تأیید شده و پس از انجام آزمون مقدماتی، اصلاحات لازم صورت گرفت. ابعاد سنجش متغیرهای پژوهش در جدول زیر ارائه شده است. لازم به ذکر است شاخص‌ها از طریق طیف لیکرت پنج گزینه‌ای بررسی شده‌اند.

1. survey

جدول 1- ابعاد متغیرها

متغیر	بعد
نگرش مثبت نسبت به حفظ محیط زیست	حفظ محیط زیست شهری
	حفظ محیط زیست طبیعی
	حفظ محیط زیست جهانی
آگاهی	آموزش از طریق رسانه
	آموزش در خانواده
	آموزش در دوران تحصیل
عادات‌های فرهنگی	قانون‌پذیری
	مشارکت اجتماعی
درونی کردن ارزش‌ها	احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست
	متولدین تهرانی
	متولدین شهرستانی
جنسیت	متولدین روستایی
	مرد
	زن
پایبندی دینی	مناسکی
	اعتقادی
	اخلاقی
وضعیت تأهل	متأهل
	مجرد

تعیین حجم نمونه

از بین 19343 (9015 زن و 10328 مرد) دانشجویی 4 دانشکده: علوم انسانی، اقتصاد و مدیریت، علوم پایه و فنی واحد علوم و تحقیقات، به جامعه نمونه مناسب نیاز است تا با تکمیل پرسشنامه و اخذ داده‌ها، بتوان این تحقیق را به نتیجه رساند. تعداد جامعه نمونه باید مشخص شود. برای این منظور از فرمول کوکران استفاده شده است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب با حجم است.

جدول 2- حجم نمونه

جنسیت	تعداد افراد جامعه	تعداد افراد نمونه
زن	9015	187
مرد	10328	213
کل	19343	400

تحلیل آماری

آمار توصیفی تنها تصویری از جامعه مورد مطالعه ارائه می‌دهد، اما قادر به بیان روابط بین متغیرها و تبیین متغیر وابسته نیست. بنابراین برای بررسی روابط بین متغیرها از آمار استنباطی استفاده می‌شود. کار آمار استنباطی نشان دادن این نکته است که آیا الگوهای توصیف شده در نمونه، در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده کاربردی دارد یا خیر. آمار استنباطی ما را قادر به استنباط ویژگی‌های نمونه می‌کند (دواس، 1381: 138). ضریب همبستگی پیرسون شاخصی است که به منظور تعیین نوع همبستگی و میزان و درجه رابطه بین صفات، به کار برده می‌شود و مقدار آن بین -1 و $+1$ نوسان می‌کند (منصورفر، 1374: 80). برای سنجش هریک از متغیرها گویه‌هایی در سطح سنجش ترتیبی در نظر گرفته شده که با جمع کردن¹ آنها به سطح سنجش شبه فاصله‌ای تبدیل می‌شوند. این امر امکان استفاده ضریب همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه میان چنین داده‌هایی فراهم می‌کند. در صورتی که سطح سنجش متغیر مستقل اسمی یا ترتیبی است برای بررسی رابطه از آزمون f یا t استفاده شده است. زمانی که داده‌های مربوط به متغیر وابسته از نوع کمی با مقیاس (فاصله-ای یا نسبی) و داده‌های متغیر مستقل از نوع کیفی (اسمی یا ترتیبی) باشد برای بررسی تفاوت‌ها می‌توان به مقایسه میانگین‌ها پرداخت و معنی‌دار بودن تفاوت‌های موجود بین طبقات یا گروه‌ها را مورد بررسی قرار داد. با توجه به توضیحات فوق به بررسی هر یک از فرضیه‌های مطرح شده می‌پردازیم.

1. Compute

فرضیه اول

به منظور بررسی فرضیه فوق از آزمون t مستقل استفاده شده است. این آزمون زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بخواهیم میانگین بین دو گروه از افراد را که متفاوت هستند مقایسه کنیم. در این روش سعی می‌شود تفاوت بین دو گروه مشخص شود. جدول شماره 1 نتایج آزمون T-Test، تفاوت میانگین حفظ محیط زیست در میان پاسخگویان زن و مرد را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های جدول می‌توان گفت که میانگین توجه به محیط زیست و حفظ آن میان زنان (با میانگین 124.56) و مردان (با میانگین 122.64) تفاوت وجود دارد به این معنا که زنان بیش از مردان در حفظ محیط زیست کوشا هستند. سطح معناداری برابر 0.009 است و همچنین با توجه به مقدار Eta2، 1.9 درصد واریانس متغیر حفظ محیط زیست از طریق تفاوت میان زنان و مردان تبیین می‌شود.

جدول 3 - مقایسه آمارهای توصیفی جنسیت و میانگین حفظ محیط زیست در میان دو جنس

متغیر	مقوله	فراوانی ی مطلق	فراوانی درصد ی	فراوانی تجمع ی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی ی	سطح معناداری ی
جنسیت	زن	187	46.8	46.8	126.5	10.0	3.466	351	0.009
	مرد	213	53.3	100	122.6	10.9			
					4	4			

فرضیه دوم

جدول 4 بیان کننده رابطه میان سن و حفظ محیط زیست است. سطح معناداری 0.000 از وجود رابطه فوق در جامعه مورد بررسی حکایت می‌کند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون (0.199) نشان دهنده رابطه ضعیف و مثبت میان متغیر سن به عنوان متغیر مستقل و حفظ محیط زیست به عنوان متغیر وابسته است. با توجه به مقدار ضریب تعیین (0.039) متغیر سن 3.9 درصد از واریانس متغیر وابسته (در جمعیت نمونه) و 3.7 درصد از واریانس متغیر وابسته (محیط زیست) در جامعه آماری را تبیین می‌کند.

جدول 4 - آمارهای توصیفی و آزمون رابطه بین سن و حفظ محیط زیست

سن	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	مقدار آماره F	سطح معناداری
- 23 17	82	20.5	20.6	20.6					
- 30 24	253	63.3	84.2	63.6					
- 37 31	51	12.8	97	12.8	0.199	0.039	0.037	14.366	0.000
38 - 44	7	1.8	98.7	1.8					
- 51 45	5	1.3	100	1.3					
بدون پاسخ	2	0.5	-	-					

فرضیه سوم

با توجه به مستقل بودن دو گروه (مجرد و متأهل) از آزمون T مستقل استفاده می‌شود. بر اساس نتایج جدول فوق تفاوت میانگین حفظ محیط زیست میان افراد مجرد و متأهل معنادار بوده (سطح معناداری کمتر از 0.05 است). با توجه به مقدار میانگین حفظ محیط زیست افراد متأهل بیش از افراد مجرد به حفظ محیط زیست اهمیت می‌دهند.

جدول 5 - آمارهای توصیفی و مقایسه میانگین حفظ محیط زیست بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	مقوله	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	Eta2	سطح معناداری
وضعیت	مجرد	309	77.3	77.3	123.165	10.58	-4.124	351	0.049	0.000
تأهل	متأهل	91	22.8	100	128.64	10.17				

فرضیه چهارم

جدول 6 نتایج آزمون F، تفاوت میانگین حفظ محیط زیست در بین متولدین تهران، شهرستان و روستا را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های جدول می‌توان گفت میانگین حفظ محیط زیست

در بین این گروه‌ها متفاوت است، به طوری که متولدین روستا بیش از شهرستانی‌ها و افراد متولد شهرستان بیش از متولدین تهران به محیط زیست توجه می‌کنند و این تفاوت در سطح اطمینان 0.95 معنادار است. همچنین با توجه به مقدار Eta2، دو درصد از تفاوت (واریانس) نظر افراد در مورد حفظ محیط زیست را محل تولد افراد تعیین می‌کند.

جدول 6- آمارهای توصیفی و مقایسه میانگین حفظ محیط زیست و بومی بودن افراد

متغیر	مقوله	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره F	درجه آزادی	Eta2	سطح معناداری
محل تولد	تهران	201	50.3	50.6	123.00	11.78				
	شهرستان	194	48.5	99.5	124.82	9.97	3488	346	0.02	0.032
	روستا	2	0.5	100	140.50	9.19				

فرضیه پنجم

متغیر آگاهی شامل سه بعد آموزش در خانواده، آموزش در دوران تحصیل و آموزش از طریق رسانه است. که ابتدا به بررسی رابطه هر یک از ابعاد با حفظ محیط زیست پرداخته و در مرحله بعد هر سه بعد را در یک عامل جمع کرده و رابطه فوق را نیز بررسی می‌کنیم.

جدول 7- آزمون رابطه میان آگاهی و حفظ محیط زیست

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب B	ضریب Beta	مقدار آماره F	سطح معناداری
آموزش در خانواده	0.354	0.125	0.122	2.530	48.865	0.000
آموزش در دوران تحصیل	0.066	0.004	0.001	0.665	1.498	0.222
آموزش از طریق رسانه	0.479	0.229	0.227	0.841	96.090	0.000
آگاهی	0.507	0.257	0.255	0.767	109.087	0.000

با توجه به جدول 7 هرچه سطح آموزش افراد در خانواده (در مورد محیط زیست) افزایش یابد، توجه به محیط زیست و حفظ آن افزایش می‌یابد. این رابطه در سطح اطمینان 99 درصد تأیید می‌شود. میزان همبستگی دو متغیر برابر 0.354 است که همبستگی مثبت و متوسطی است. همچنین آموزش در خانواده به تنهایی 12.5 درصد از واریانس محیط زیست را تبیین می‌کند (در جمعیت نمونه). این فرضیه در مورد آموزش در دوران تحصیل تأیید نمی‌شود (سطح معناداری بیش از 0.05 است). در مقابل، رابطه معناداری در سطح اطمینان 99 درصد میان

آموزش از طریق رسانه و حفظ محیط زیست وجود دارد. در اینجا نیز مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر 0.469 است. آموزش از طریق رسانه به تنهایی 22.9 درصد از واریانس متغیر وابسته (حفظ محیط زیست) را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند این مقدار در جامعه آماری برابر 22.7 درصد است. با جمع کردن سه بعد در یک عامل (آگاهی) و بررسی رابطه، فرضیه فوق در سطح اطمینان 99 درصد تأیید می‌شود. ضریب همبستگی برابر 0.507 است و مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر آگاهی محیط زیستی 26 درصد از واریانس محیط زیست را تبیین می‌کند.

فرضیه ششم

عادات‌های فرهنگی نیز در دو بعد قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی سنجیده شده است. در اینجا نیز ابتدا به بررسی روابط هر یک از ابعاد با متغیر وابسته پرداخته و در نهایت با جمع کردن دو بعد در یک عامل (عادات‌های فرهنگی)، رابطه آن را با متغیر وابسته بررسی می‌کنیم.

جدول 8- آزمون رابطه میان عادات‌های فرهنگی و حفظ محیط زیست

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب استاندارد	ضریب B	ضریب Beta	مقدار آماره F	سطح معناداری
قانون‌پذیری	0.247	0.061	0.058	0.713	0.247	22.175	0.000
مشارکت اجتماعی	0.579	0.336	0.334	1.199	0.579	169.795	0.000
عادات‌های فرهنگی	0.551	0.303	0.301	0.828	0.551	143.160	0.000

هر یک از متغیرها با استفاده از گویه‌هایی در پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته اند که با جمع کردن گویه‌ها مقیاس از ترتیبی به شبه فاصله‌ای تغییر یافته است. در نتیجه به منظور بررسی رابطه متغیرهای فوق با محیط زیست از رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شده است. براساس نتایج به دست آمده قانون‌پذیری رابطه معناداری در سطح 99 درصد با متغیر وابسته دارد. مقدار همبستگی دو متغیر برابر 0.247 است و قانون‌پذیری به تنهایی 6.1 درصد از واریانس حفظ محیط زیست در جمعیت نمونه و 5.8 درصد از واریانس متغیر وابسته در جامعه آماری را تبیین می‌کند. مشارکت اجتماعی نیز رابطه معناداری در سطح 99 درصد با متغیر وابسته دارد. مقدار همبستگی دو متغیر 0.579 است که همبستگی مثبت و بالایی است. هرچه مشارکت

اجتماعی افراد بیشتر باشد، در حفظ محیط زیست کوشا تر هستند. همچنین مقدار ضریب تعیین نشانگر آن است که 33.6 درصد از تغییرات محیط زیست توسط مشارکت افراد تبیین می‌شود (در جمعیت نمونه). عادات‌های فرهنگی مجموع گویه‌های قانون پذیری و مشارکت اجتماعی است. در اینجا نیز جهت بررسی رابطه دو متغیر از رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شده است. رابطه دو متغیر در سطح معنی‌داری 99 درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین و ضریب تعیین استاندارد به ترتیب 0.303 و 0.301 است و دلالت بر تعیین واریانس متغیر وابسته با متغیر مستقل به مقدار 30.3 درصد در جمعیت نمونه و 30.1 درصد در جامعه آماری دارد.

فرضیه هفتم

یافته های جدول 9 نشان می‌دهد احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست دارای رابطه معناداری در سطح 99 درصد با محیط زیست است. هر چه احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست افزایش یابد، توجه به حفظ محیط زیست نیز افزایش خواهد یافت. مقدار همبستگی دو متغیر برابر 0.580 است که همبستگی مثبت و بالایی است. مقدار ضریب تعیین برابر 0.336 است که دلالت بر تعیین واریانس متغیر حفظ محیط زیست به وسیله احساس مسئولیت نسبت به آن به مقدار 33.6 درصد در جمعیت نمونه است. این مقدار در جامعه آماری برابر 33.4 درصد است.

جدول 9- آمارهای توصیفی و آزمون رابطه میان احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست و حفظ محیط زیست

احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	مقدار آماره F	سطح معناداری
کم	41	10.3	10.6	10.6	0.580	0.336	0.334	169.83	0.000
متوسط	257	64.3	66.8	77.4					
زیاد	87	21.8	22.6	100					
بدون پاسخ	15	3.8	-	-					

فرضیه هشتم

رابطه دو متغیر پایبندی دینی و حفظ محیط زیست در سطح معنی داری 99 درصد تأیید می‌شود. بنابراین میان پایبندی دینی افراد و حفظ محیط زیست رابطه معنادار وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بیان کننده میزان همبستگی دو متغیر است که این میزان برابر 0.441 است. همچنین با توجه به مقدار ضریب تعیین (0.194) که دلالت بر توانایی تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل است، حدود 19.4 درصد از واریانس حفظ محیط زیست توسط پایبندی دینی تبیین می‌شود (در جمعیت نمونه). این مقدار در جامعه آماری برابر 19.2 درصد است.

جدول 10 - آزمون رابطه میان پایبندی دینی و حفظ محیط زیست

پایبندی دینی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	مقدار آماره F	سطح معناداری
کم	14	3.5	3.6	3.6					
متوسط	79	19.8	20.1	23.7	0.441	0.194	0.192	82.770	0.000
زیاد	300	75	76.3	100					
بدون پاسخ	7	1.8	-	-					

رگرسیون چند متغیره

رگرسیون چند متغیره روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل X_i ، در تغییرات یک متغیر وابسته، Y . وظیفه اصلی رگرسیون چند متغیره این است که به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک کند و این وظیفه را تا حدودی از طریق برآورد مشارکت متغیرها (دو یا چند متغیر مستقل) در این واریانس به انجام می‌رساند (کرلینجر، 1386). به این ترتیب تمام متغیرهای مستقل در این پژوهش را که شامل متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات) مفاهیمی مانند آگاهی محیط زیستی، درونی کردن ارزش‌ها، پایبندی دینی و عادت‌های فرهنگی را وارد رگرسیون کرده و نتایج حاصل در جدول زیر ارائه شده است. در جدول 10 مقدار ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده هر یک از متغیرهای مستقل به همراه مقدار آزمون مربوطه و سطح معناداری آمده است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول، آموزش از طریق رسانه با $Beta=0.882$ بیشترین سهم را در تبیین

متغیر وابسته دارد. بعد از آن احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست با $Beta = 0.297$ ، مشارکت اجتماعی با $Beta = 0.290$ ، پایبندی دینی با $Beta = 0.232$ ، آموزش در خانواده با $Beta = 0.229$ و جنسیت با $Beta = -0.143$ ، به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین متغیر حفظ محیط زیست دارا هستند. سایر متغیرهای مستقل با توجه به سطح معناداری (بیش از 0.05) تأثیر چندانی در تبیین متغیر وابسته در جامعه آماری ندارند.

جدول 11- ضرایب مسیر متغیرهای مستقل بر محیط زیست

معدناداری Sig	مقدار آزمون t	ضرایب استاندارد		متغیرها	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		Beta	Std. Error B		
0.000	9.681		2.388	61.670	مقدار ثابت
0.001	-3.497	-0.143	0.873	-3.051	جنسیت
0.908	0.116	0.007	0.132	0.015	سن
0.433	-0.786	-0.038	1.235	-0.971	وضعیت تأهل
0.332	0.971	0.050	0.880	0.855	سطح تحصیلات پاسخگو
0.419	0.810	0.034	0.860	0.696	محل تولد
0.002	3.064	0.229	0.535	1.639	آموزش در خانواده
0.001	3.320	0.882	0.455	1.511	آموزش از طریق رسانه
0.000	5.275	0.290	0.109	0.574	مشارکت اجتماعی
0.222	-1.224	-0.053	0.122	-0.149	قانون پذیری
0.000	5.554	0.297	0.112	0.619	احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست
0.000	5.333	0.232	0.184	0.979	پایبندی دینی

جدول 11، میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر حفظ محیط زیست را به تصویر می کشد. همان گونه که در جدول مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل و حفظ محیط زیست برابر 0.751 است. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر 0.565 است که نشان می دهد متغیرهای وارد شده در رگرسیون چندگانه حدود 56.5 درصد از تغییرات متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می کند. این مقدار در جامعه آماری (با استفاده از ضریب تعیین استاندارد شده) برابر 54.4 درصد است. همچنین سطح معناداری گواه بر تأیید روابط فوق در جامعه مورد مطالعه است.

جدول 12- تبیین حفظ محیط زیست براساس متغیرهای مستقل

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص	اشتباه معیار برآورد مدل	معناداری (Sig)
مقادیر	0.751	0.565	0.544	7.19428	0.000

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات متعددی به بررسی تأثیر دانش بر نگرش و رفتار پرداخته‌اند. در اغلب این مطالعات فقدان دانش را به عنوان سد اساسی برای رفتارهای مثبت محیطی ذکر می‌کنند (والنر¹، 2003). دانش به منزله یک ضرورت برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌ها قلمداد می‌شود. در واقع، دانش به مثابه ابزاری جهت چیره شدن بر موانعی مانند ناآگاهی یا اطلاعات غلط به کار گرفته می‌شود. اگرچه دانش همیشه تأثیر مستقیم بر نگرش و رفتار ندارد، اما مکانیسم‌های دیگری را تقویت می‌کند که تغییر رفتار را تسهیل می‌کند (فریک²، 2004). در این پژوهش تلاش شد تا با شناخت عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست، نگرش محیط زیستی دانشجویان که قشر روشنفکر جامعه را پوشش می‌دهند، بررسی و عوامل مؤثر بر این نگرش شناسایی شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان بیش از مردان در حفظ محیط زیست کوشا هستند و متغیر جنسیت رابطه معناداری با نگرش معطوف به حفظ محیط زیست دارد. از سوی دیگر رابطه ضعیف و مثبتی میان متغیر سن و حفظ محیط زیست دیده می‌شود به این معنی که هر چه سن افراد بالاتر می‌رود حفظ محیط زیست برای آنها اهمیت بیشتری می‌یابد. مصاحبه‌های قبل از تحقیق با صاحب‌نظران و افراد مختلف، ما را به این نتیجه رساند که به نظر می‌رسد افراد بعد از ازدواج به علت درگیری مستقیم و تنگاتنگی که با واقعیت‌های زندگی دارند و به نوعی خود به طور مستقیم با امور زندگی مانند: دخل و خرج، تولید و مصرف، رابطه نزدیک‌تری پیدا می‌کنند، اهمیت مسائل محیط زیست را بیشتر احساس می‌کنند. نتایج تحقیق نشان داد که افراد متأهل بیش از افراد مجرد به حفظ محیط زیست اهمیت می‌دهند. با توجه به مطالعات اکتشافی که قبل از تحقیق صورت گرفت و همچنین مصاحبه‌های قبل از تحقیق احساس کردیم افراد چون شهر خود را دوست دارند، حساسیت خاصی نیز نسبت به حفظ میراث فرهنگی، میراث طبیعی و به طور کل شهر خود دارند. از این رو به حفظ محیط زیست شهری خود نیز مقید هستند. بنابراین، فرضیه‌ای به منظور سنجش رابطه بین بومی یا غیربومی

1. Wallner

2. Frick

بودن با حفظ محیط زیست در قالب فرضیه‌ای بیان شده است که نتایج تحقیق تأیید این فرضیه را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود مردم نسبت به حفظ محیط زیست بی‌توجه باشند «بی‌اطلاعی» آنهاست. تمام خطرهای محیط زیستی بر اثر مداخله انسان پدید آمده است و کارشناسان محیط زیست بیش‌تر معتقد به نادانی بشر هستند تا زیرکی او (راد فور، 1381: 178). ریچارد بارت، بنیانگذار جامعه‌آشنایی معنوی، بانک جهانی معتقد است اگر توسعه اقتصادی کمکی در جهت تکامل آگاهی نباشد، به هیچ دردی نمی‌خورد. چالش در پیش روی ما عبارت از ایجاد شرایط فیزیکی لازم برای تکامل آگاهی است. او از پنج ارزش نام می‌برد که معتقد است بر وحدت درک و فهم ما مؤثر هستند: احترام به تمام گونه‌های حیات، تساوی و برابری همه افراد، اهمیت حس اشتراک، مسئولیت در قبال همه و توجه بدون قید و شرط، زمانی که این ارزش‌ها را به طور کامل بیان کنیم، زندگی ما تغییر خواهد کرد و کم کم خواهیم دید که با توجه به دیگران و سیاره خود، به خودمان توجه کرده‌ایم. بارت اضافه می‌کند که باید شیوه و جهت توسعه را «از بالا به پایین» به روش «از پایین به بالا» تغییر دهیم (بارت، 1379: 71). در این پژوهش شناخت میزان آگاهی‌های محیط زیستی افراد از هدف‌های اولیه ما بوده است که سعی شده در سنجش فرضیه‌ها به این مهم دست یابیم با این تأکید که اطلاعات و آگاهی‌های محیط زیستی نقش اساسی در نگرش و در نتیجه رفتار محیط زیستی دارند. به منظور بررسی متغیر آگاهی از سه شاخص آموزش از طریق خانواده، آموزش از طریق رسانه و آموزش در دوران تحصیل استفاده شد که مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد این متغیر 25 درصد از واریانس حفظ محیط زیست را تبیین می‌کند. به منظور بررسی متغیر عادت‌های فرهنگی دو شاخص قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی در بین پاسخگویان سنجیده شد که نتایج نشان می‌دهد عادت‌های فرهنگی رابطه معناداری با حفظ محیط زیست دارند و هر چه قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد، در حفظ محیط زیست کوشاتر هستند. میلتنون به نقش عاطفه در رویارویی با طبیعت اهمیت زیاد می‌دهد. او معتقد است دوستداران طبیعت تعهداتی دارند که دارای بنیادی عاطفی هستند؛ چرا که بدون عاطفه، تعهدی و بدون تعهد، انگیزه‌ای و در نتیجه بدون انگیزه، اقدامی، متصور نیست. وی همچنین ضدیت عاطفه با عقلانیت را قبول ندارد و می‌گوید تفکر معقول، تفکر مستقیمی است که معطوف به هدفی باشد. این بدان معنی است که چنین تفکری، تفکری برانگیخته است و عاطفه اساس انگیزش است و همگام با ویلیام جیمز استدلال می‌کند که عقلانیت خود، یک احساس

است. عقلانیت به صورت عاطفی بنا می‌شود و مسیری که عاطفه فراهم می‌کند، موجب می‌شود که تفکر به عقلانیت منتهی شود (میلتون، 1382: 342). بر این اساس به نظر می‌رسد بین درونی کردن ارزش‌ها و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد که به منظور سنجش این متغیر از شاخص احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست استفاده شده است که یافته‌ها نشان می‌دهد هر چه احساس مسئولیت نسبت به حفظ محیط زیست افزایش یابد، توجه به حفظ محیط زیست افزایش می‌یابد. نتایج به دست آمده در مورد آخرین فرضیه این تحقیق نشان می‌دهد میان پایبندی دینی افراد و حفظ محیط زیست رابطه معنادار وجود دارد و هر چه افراد در سه بعد مناسکی، اعتقادی و اخلاقی پایبندی بیش‌تری دارند نسبت به حفظ محیط زیست متعهدتر هستند.

حساسیتی که نسبت به مسائل محیط زیستی از خود نشان می‌دهیم، دید و نگرش ما را نسبت به آن مشخص می‌کند. دانش و معلومات ما درباره محیطی که ما را احاطه کرده از تعامل ما با طبیعت، دیگر موجودات بشری و حتی خودمان ناشی می‌شود، افعال ما نه تنها بر آنچه احساس می‌کنیم بلکه بر آنچه که درباره جهان می‌دانیم و می‌اندیشیم مبتنی است. از این رو، رفتارهایی که در برخورد با محیط زیست اطرافمان از خود بروز می‌دهیم نیز مبتنی بر آگاهی و نگرش ما نسبت به آن است که مجموعه فرهنگی ما را با محیط زیستمان می‌سازد. امروز، مسایل محیط زیستی دارای مفهوم اجتماعی و فرهنگی است. فرهنگ محیط زیستی باید با مسئولیت‌پذیری، خودتکایی و اعتماد به نفس به جامعه انتقال یابد. به منظور پذیرش فرهنگی، بافت‌های یک جامعه باید به صورت ساختاری با موضوع برخورد کند. فرهنگ یک جامعه باید متحول شود تا افراد بتوانند خود را با چالش‌های محیط زیستی و تلاش برای اثبات و پایداری، تطابق دهند. به طور قطع بدون یک سری سازوکارها و بسترسازی‌های لازم نمی‌توان به هدف‌های مورد انتظار در مبانی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه رسید. جامعه سالم، جامعه‌ای هدف‌دار است. رشد و تکامل و آماده‌سازی انسان و محیط برای بهتر زیستن از یک سو و بهره‌مندی از مواهب و نعمت‌های سرشار دنیا از سوی دیگر، هدف‌های جامعه سالم هستند. آگاهی، احساس مسئولیت، انگیزه، آموزش و تقسیم کار، ارکان اصلی جلب مشارکت مردم در حفظ محیط زیست است. این ارکان اگر به شیوه‌ای مطلوب در فرهنگ عمومی جامعه قرار گیرد، مشارکت مردم در حفظ محیط زیست نیز میسر و ممکن خواهد شد. باید مردم بیشتری را در کارها شرکت داد. به فهم و درک عمومی بیشتری از ماهیت علم، تکنولوژی، پیوند میان

آن دو و تأثیری که بر تکامل اجتماعی به جای می‌گذارند نیاز است. برای احیای محیط زندگی و استفاده صحیح و درست از منابع طبیعی، باید برنامه، الگو و خط‌مشی مشخصی داشت. همچنین مسئله محیط زیست باید در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی- اجتماعی قرار گیرد و نگرش‌ها و اندیشه‌ها براساس واقعیت‌های علمی شکل گیرد. اگر بشر بخواهد سالم زندگی کند و از تهدیدهای طبیعت در امان باشد، باید در تفکر و روش عمل خویش تجدید نظر کند. رهبران سیاسی، مسئولان و متخصصان باید با استفاده از امکانات موجود و شرایط اجتماعی، موقعیت‌های جغرافیایی و استراتژی‌های محیط زیستی، اقدام به حفظ منابع طبیعی و ثروت‌های ملی و آموزش لازم در این زمینه کنند. باید این تفکر در ذهن انسان‌ها، جای گیرد که زمین یک موجود زنده است و باید در برخورد با آن از قواعد و ضوابط خاصی پیروی کرد. باید افکار عمومی نسبت به محیط زیست و بحران، خطرها و برنامه‌های حفاظتی آن، آشنا شود. افکار عمومی، جزء فرهنگ غیرمادی یک جامعه محسوب می‌شوند و تغییرات فرهنگی، کند و تدریجی ایجاد می‌شود که این امر مستلزم تلاش همگانی، همه جانبه، تصمیم‌گیری‌های صحیح و اساسی و به کارگیری روش‌های مؤثر است. جلب مشارکت اقشار خاص مانند: جوانان، از بعد علاقه‌ای که دارند، زنان از بعد نقش تربیتی، مدرسه از بعد پرورشی و اصلاح الگوهای مصرف از طریق رسانه‌های گروهی، امری ضروری است. هیچ یک از ما قهرمان نیستیم که بتوانیم کره زمین را به تنهایی نجات دهیم، ولی هریک از ما به سهم خود می‌توانیم مقدار کمتر و کمتری آلودگی به محیط زیست خودمان اضافه کنیم و این کار بسیار باارزش و زیباست. در تبیین و تکوین فرهنگ محیط زیستی که ناظر بر حفظ محیط زیست پایدار و پاسداری از حقوق نسل‌های آینده و رعایت اصول و موازین است، نقش 4 گروه اجتماعی ضروری است: دولت- سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، نهادهای اجتماعی- مشارکت مردم- کارشناسان و متخصصین محیط زیست و توسعه پایدار، تا با همکاری تنگاتنگ و دلسوزانه برای آینده به طرح‌ریزی، برنامه‌سازی و اجرای برنامه‌های جامعی بپردازند که مصلحت و سلامت و رفاه جامعه در دراز مدت در آن دیده شود. به یاد داشته باشیم که دوست داشتن طبیعت، اندیشه‌ای سبز و آسمانی است و آسایش انسان از راهی در میان طبیعت گذر می‌کند.

منابع فارسی

آذرنگ، ع. ح. (1364). *تکنولوژی و بحران محیط زیست*، تهران: چاپخانه سپهر.

اسلامزاده، و. (1382). جامعه‌شناسی محیط زیست، چاپ اول، تهران: سازمان سبز حزب اسلامی کار.

بادکوبی، ا؛ هادی‌پور، م؛ پورابراهیم، ش. (1379). بررسی وضعیت آگاهی زیست محیطی آموزگاران مقطع دبیرستان تهران و روش ارتقای آگاهی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. بارت، ر؛ اسماعیل، س. ا. (1379). اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست، احمدرضا اشرف العقلایی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.

بری، ج. (1381). محیط زیست و نظریه‌های اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، چاپ اول، زیبا.

بن‌سن، ج. (1382). اخلاق زیست محیطی، محمدهادی رستمی شاهرودی، جلد اول. پژوهش علوم انسانی (1386). تحلیلی بر فرهنگ زیست محیطی مردم اصفهان و برخی از عوامل مؤثر بر آن، دانشگاه اصفهان: جلد 23 شماره 2.

تومه، ژ. (1380). توسعه فرهنگی و محیط زیست، محمد شارع‌پور، چاپ اول، غزال دواس، دی. ای (1381). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

دوپوئی، گ. (1374). فرهنگ و توسعه، فاطمه فراهانی، عبدالحمید زرین قلم، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگ.

رادفورد، ی. د. (1381). شاخص‌های توسعه پایدار، نشاط حدادتهرانی و ناصر محرم‌نژاد، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.

سریع‌القلم، م. (1380). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، غزال.

فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست (1383)، شماره 41

فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست (1382)، شماره 28

فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست (1378)، شماره 24

کارسون، ر. (1376). بهار خاموش، عبدالحسین وهاب‌زاده، عوض کوچکی و امین علیزاده، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

کامونر، ب. (1382). انسان و محیط زیست، بهروز دهزاد، تهران: انتشارات موج سبز

- کرلینجر، ف. ن. (1386). مبانی پژوهش در علوم رفتاری، حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.
- کیوی، ری؛ لوک وان ک. (1384). روش تحقیق در علوم اجتماعی، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- لطف‌آبادی، ع. (1379). روان‌شناسی رشد، دوره جوانی و میان‌سالی، چاپ سوم، رودکی. منصورفر، ک. (1374). روش‌های آماری، تهران: چاپ سوم، دانشگاه تهران
- میلتون، ک. (1382). طبیعت مهربان به سوی اقلیم عاطفه. ترجمه محمدهادی رستمی شاهرودی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- میلر، ج. ت. (1386). زیستن در محیط زیست، مجید مخدوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم.

منابع انگلیسی

- Ayres, Robert U. Ayres, Leslie W. 1996. *Industrial Ecology. Towards closing the Materials Cycle*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Catton, William R., Dunlap, Riley E. 1997 *Environmental Sociology*. Annual Review of sociology.
- Frick, J, Kaiser, F. G, Wilson, M. 2004. Environmental knowledge and conservation behavior, Exploring prevalence and structure in a representative sample. *Personality and Individual Differences*.
- Socolow, R. Andrews, C. Berkhout, F. Thomas, V. (1994). *Industrial Ecology and Global Change*. Cambridge/Mass: University Press.
- Thompson, S. C, Barton, M. A. 1994. Ecocentric and anthropocentric attitudes. *Journal of Environmental Psychology*.
- Wallner, S, Hunziker, M, Kienast, F. 2003. Do natural science experiments influence public attitudes towards environmental problems. *Global environmental change*.
- Williams, K. G, Cary, J. 2002. Landscape preferences, ecological quality and biodiversity protection. *Environment and behavior*
www.nceet.edu